

## A Qualitative Study of the issue of Iranian Muslim Students Rights at the University of Padua (Italy)

Ataallah Salehi\*

Assistant Professor of Law, Shahid Bahonar University of Kerman, Iran  
drsalehi@uk.ac.ir

Naima Mohammadi

Assistant Professor, Gender, Sexuality, and Women Studies Center, University of Pittsburgh, USA, Naima.mohammadi@yahoo.com

### Abstract

**Objective:** The present study seeks to investigate the legal status of Iranian female students in the form of the theory of "recognition" according to three main themes including "self-confidence", "legal status" and "social status" at the University of Padua.

**Method:** In this study, using focus group method and theoretical sampling, eight Iranian female students were interviewed in groups and individually.

**Results:** The findings reveal that the category of self-confidence, which examines the individual rights status of participants, is related to components such as "stigma", "inequality" and "alienation". The category of legal status, which legally studies the status of consultants, is also influenced by factors such as "ignorance", "non-acceptance of rules" and "violation of laws". Participants also described the category of social esteem, which measures students' status in terms of social rights, as "experience of exclusion" and "social distance."

**Conclusion:** Based on the research findings, it can be concluded that the disruption in the recognition of students' legal status, including individual, legal and social rights, has led to circumventing harassing rules through an interconnected network in cyberspace in order to participate. Users use cyberspace as a platform for resistance in order to restoring their social solidarity.

**Keywords:** Muslim Students, Recognition, Self-confidence, Legal Status, Social Esteem.

**Article type:** Research

\* Received on 13 May, 2022 Accepted on 19 December, 2022

**Cite this article:** Salehi & Mohammadi (2023) A Qualitative Study of the issue of Iranian Muslim Students rights at the University of Padua (Italy), Winter 2023, Vol.11, NO.4, 83-104.

DOI: 10.30479/psiw.2023.17244.3113

© The Author(s).



**Publisher:** Imam Khomeini International University.

**Corresponding Author:** Ataallah Salehi

**E-mail:** drsalehi@uk.ac.ir

## مطالعه کیفی وضعیت حقوقی دانشجویان مسلمان ایرانی در دانشگاه پادوا

عطاله صالحی

استادیار حقوق، دانشگاه شهید باهنر کرمان drsalehi@uk.ac.ir

نعیما محمدی

استادیار، مرکز مطالعات جنسیت و زنان، دانشگاه پیتسبورگ، آمریکا Naima.mohammadi@yahoo.com

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر، درصدد بررسی وضعیت حقوقی دانشجویان دختر ایرانی در قالب تئوری «به رسمیت شناسی» با توجه به سه مقوله اصلی شامل: «اعتماد به نفس»، «جایگاه حقوقی» و «منزلت اجتماعی» در دانشگاه پادوا - ایتالیا است.

**روش:** این پژوهش، با استفاده از روش گروه متمرکز و نمونه‌گیری نظری هشت دانشجوی دختر ایرانی، به صورت گروهی و فردی مورد مصاحبه قرار گرفتند.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان داد، مقوله اعتماد به نفس که وضعیت حقوق فردی مشارکت‌کنندگان را واکاوی می‌کند، با مؤلفه‌هایی؛ نظیر «برچسب خوردن»، «احساس نابرابری» و «باخودبیگانگی» ارتباط دارد. مقوله جایگاه حقوقی نیز که وضعیت مشارکت‌کنندگان را به صورت قانونی مطالعه می‌کند، متأثر از عواملی؛ نظیر «عدم آگاهی از قوانین»، «عدم پذیرش قوانین» و «نقض قوانین» کشور مبدأ است. مشارکت‌کنندگان، همچنین مقوله منزلت اجتماعی را که وضعیت دانشجویان را به لحاظ حقوق اجتماعی می‌سنجد، با «تجربه طرد» و «فاصله اجتماعی» توصیف کردند.

**نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که اختلال در به رسمیت‌شناسی وضعیت حقوقی دانشجویان؛ اعم از حقوق فردی، قانونی و اجتماعی، زمینه دور زدن قوانین آزار دهنده، از طریق یک شبکه هم‌بسته درونی در فضای مجازی را فراهم کرده است تا مشارکت‌کنندگان، از فضای مجازی به‌عنوان سکویی برای مقاومت استفاده کنند تا منزلت اجتماعی را در درون گروه خودی بازیابی کنند.

**واژگان کلیدی:** دانشجویان مسلمان، به رسمیت‌شناسی، اعتماد به نفس، جایگاه حقوقی و منزلت اجتماعی.  
**نوع مقاله:** پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۲/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۹/۲۸  
استاد: صالحی و محمدی (۱۴۰۱)، مطالعه کیفی وضعیت حقوقی دانشجویان مسلمان ایرانی در دانشگاه پادوا، زمستان ۱۴۰۱، دوره ۱۱، شماره ۴، پیاپی ۴۴: ۸۳-۱۰۴.



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

## مقدمه

در سال‌های اخیر، تمایل شدید دانشجویان مسلمانان، برای ادامه تحصیل در کشورهای غربی، به دلیل جنگ‌های داخلی، کیفیت پایین آموزش و محدودیت‌های فرهنگی، افزایش یافته است؛ به طوری که دانشجویان مسلمان، ۱۳ درصد از کل جمعیت دانشجویان بین‌المللی را فقط در ایالات متحده آمریکا و بریتانیا تشکیل می‌دهند (رز ردوود، ۲۰۱۰ و برون، ۲۰۰۹).

در این میان، کشور ایران به لحاظ فرار مغزها و تمایل دانشجویان به تحصیل در خارج از کشور، دارای رکوردهای جهانی است. بنا بر آمار مجلس شورای اسلامی، شصت هزار دانشجوی نخبه ایرانی در سال ۱۳۸۹ از ایران مهاجرت کردند. این افراد، اغلب دارای مقام‌هایی در المپیادهای علمی یا جزو نفرات برتر کنکور یا دانشگاه‌ها بوده‌اند. صندوق بین‌المللی پول، در گزارش سال ۲۰۰۹ خود اعلام کرد؛ ایران به لحاظ مهاجرت نخبگان، از میان ۹۱ کشور در حال توسعه، مقام نخست را داراست (نجاتی، ۱۳۸۹).

گروهی معتقدند که عوامل اقتصادی؛ نظیر نرخ بیکاری، دستمزد نیروی کار و شکاف شاخص رفاهی، تأثیر مثبت و مهمی بر فرار مغزها از ایران داشته است (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۹). در تحقیقات دیگر، به نقش تعیین‌کننده عوامل اجتماعی؛ نظیر سبک زندگی، طبقه اجتماعی مهاجران و تحلیل تفاوت‌های ساختار اجتماعی کشور مبدأ و مقصد توجه شد و نارضایتی از نظام آموزشی را متغیر مهمی در تمایل به مهاجرت معرفی کردند (جوادزاده، ۱۳۹۴). طرح اسلامی - سازی دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر که همراه با اخراج و اعمال فشار به برخی نیروهای دانشگاهی دگراندیش در فضاها علمی شد و همچنین وجود قوانین تبعیض‌آمیز آموزشی برای اقلیت‌های مذهبی - قومیتی، روند مهاجرت دختران دانشجو به سوی دانشگاه‌های خارجی را تسریع کرده است (یزدانی، ۲۰۱۵: ۴-۵). در این میان، گروهی از صاحب‌نظران، از زنانه شدن فرار مغزها به دلیل اعمال برخی سیاست‌های جنسیتی در ایران سخن گفتند. افزایش سطح شاخص نابرابری جنسیتی و عبور آن از آستانه ۶۱۸/۰، مهم‌ترین عامل تشدید فرار مغزها در ایران عنوان شده است (مفتخری و همکاران، ۱۴۰۰). قانون الزامی شدن حجاب، پس از انقلاب ۱۳۵۷ و اعمال برخی محدودیت‌های مضاعف، برای ورود دانشجویان دختر به فضای دانشگاه‌ها، وضع سیاست تفکیک جنسیتی در برخی رشته‌های دانشگاهی که به موجب آن، دختران فرصت تحصیل در برخی رشته‌ها را از دست دادند (آزادی، ۲۰۲۰: ۱۶).

این گروه از مهاجران، به دلیل محدودیت‌های مختلف از ایران مهاجرت کردند و در انتظار وضعیت مساعدتری به لحاظ آموزشی، اجتماعی و اقتصادی در غرب هستند. به عنوان نمونه، دانشگاه‌های ایتالیا نه تنها به لحاظ رتبه‌بندی جهانی، از شرایط مطلوبی برخوردار هستند؛ بلکه هزینه‌های زندگی و تحصیل نیز در این کشور، در مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی پایین‌تر است. دانشگاه‌های ایتالیا، همچنین بورسیه استانی به داوطلبان واجدالشرایطی اعطا می‌کند که از کشورهای در حال

توسعه برای تکمیل تحصیلات خود مهاجرت می‌کنند. این بورسیه نه تنها هزینه خوابگاه، خوراک و آموزش را رایگان می‌کند؛ بلکه در هر ترم، مبلغی کمک‌هزینه بلاعوض نیز برای آن‌ها فراهم می‌آورد. بنابراین، به یک مقصد ایده‌آل برای دانشجویان ایرانی تبدیل شده است. بر اساس آمار و ارقام مندرج در وب‌سایت آموزشی دانشگاه ملی ایتالیا، ایرانیان در سال ۲۰۱۸ - ۲۰۱۹، بالاترین متقاضیان دانشجوی بین‌الملل در سطح تحصیلات تکمیلی، از میان تمام کشورهای مسلمان غیراروپایی هستند<sup>۱</sup>. اگرچه مطالعات تقریباً زیادی، عوامل و ریشه‌های تمایل به مهاجرت را نزد دانشجویان ایرانی بررسی کردند؛ اما وضعیت این گروه از افراد، پس از مهاجرت، چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی آن‌ها در حین تحصیل در یک بستر فرهنگی - حقوقی کاملاً متفاوت، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

مسئله اصلی در این پژوهش، واکاوی کیفی احساس به‌رسمیت‌شناسی دانشجویان دختر ایرانی در دانشگاه‌های اروپایی است که با توجه به پرسش‌های زیر پیگیری شده است:

۱. وضعیت دانشجویان دختر ایرانی در دانشگاه پادوا به‌لحاظ اعتماد به نفس چگونه است؟
۲. وضعیت دانشجویان دختر ایرانی در دانشگاه پادوا به‌لحاظ جایگاه حقوقی چگونه است؟
۳. وضعیت دانشجویان دختر ایرانی در دانشگاه پادوا به‌لحاظ منزلت اجتماعی چگونه است؟

### پیشینه پژوهش

در این بخش، پس از مرور و طبقه‌بندی تحقیقات انجام شده در خصوص وضعیت به‌رسمیت‌شناسی دانشجویان مسلمان در کشورهای غربی، به شرح چهارچوب مفهومی پژوهش حاضر پرداخته می‌شود.

خواجه صالحی (۱۳۹۱) در پژوهش خود، به انگاره ذهنی مثبت دانشجویان ایرانی، نسبت به غرب اشاره می‌کند و معتقد است که باور جوانان سرخورده ایرانی این است که در دانشگاه‌های خارجی، به نوآوری و ابتکار آن‌ها بیشتر بها می‌دهند و با آسایش فکری بیشتری، به فعالیت علمی مشغول می‌شوند. عسگری و تقوی (۱۳۹۰)، علت مهاجرت دانشجویان را مسئله چشم‌انداز ناامیدکننده برای آینده شغلی جوانان تحصیل‌کرده و عدم ارتباط مؤثر میان مراکز آموزشی با بخش صنعت عنوان می‌کند. فرتوک‌زاده و اشراقی (۱۳۸۷)، از بی‌عدالتی ساختاریافته در فضای آموزشی، بی‌ارزش شدن علم و موقعیت‌های اجتماعی بی‌ثبات دانشگاهیان و تحصیل‌کرده‌ها در داخل کشور، سیاسی شدن فضای دانشگاه‌ها و جناحی رفتار کردن با نخبگان بجای شایسته‌سالاری را عامل فرار نخبگان از کشور معرفی می‌کند. مشوق و نصری (۱۳۹۷) نیز در مقاله خود با عنوان «مهاجرت بازگشتی دانشجویان ایرانی و تعیین‌کننده‌های آن: مطالعه‌ای در بین دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و کانادا»، از امکان یافتن شغل متناسب با درآمد کافی بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه‌های کانادا

1. <https://anagrafe.miur.it/php5/home.php?&anni=2019>  
20&categorie=cittadin&status=iscritti&tipo\_corso=TT&&nav\_citt=2

اشاره کرد و آن را مهم‌ترین عامل بازنگشتن به کشور برشمرد. کرمن و کریستین (۲۰۲۰)، به بررسی وضعیت دانشجویان زن مسلمان، از چهار کشور عراق، ایران، فلسطین و لیبی در دانشگاه‌های آمریکا پرداخت. نتایج مطالعات او نشان داد؛ پدیده اسلام‌هراسی، به‌شدت تأثیر منفی بر نگرش آمریکاییان، نسبت به دانشجویان مسلمانان، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر گذاشته است. او در این مطالعه، از وجود تبعیض علیه دانشجویان دختر محجبه، با نام نژادگرایی مذهبی یاد کرد (کرمن و کریستین، ۲۰۲۰: ۵۲۰). آیینو و آزن (۲۰۲۱)، در پژوهش خود به وضعیت دانشجویان مسلمان مالزی در دانشگاه‌های انگلیس پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد؛ دختران مسلمان مالزی که حجاب را به‌عنوان نشانه مذهبی، با خود در اماکن عمومی حمل می‌کردند، پس از ورود به بریتانیا، به شکل معناداری نیازمند شرکت در برنامه‌های فرهنگی - مذهبی، با عنوان «جنش-های تقوا» بودند. آن‌ها علت حضور خود در این جلسات را کاهش استرس و غلبه بر احساس تنهایی عنوان کردند. اغلب این دانشجویان، از احساس انزوا و طرد از برنامه‌های دانشجویی در دانشگاه‌های انگلیس، به دلیل تعلق مذهبی‌شان سخن گفتند (آیینو و آزن، ۲۰۲۱). کریستین ویسل‌هوفت (۲۰۱۷)، در پژوهشی مهم‌ترین چالش دانشجویان مسلمان الجزایری برای تحصیل در دانشگاه‌های فرانسه را مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن حق آزادی پوشش دختران می‌داند که به مهم‌ترین مسأله اخلاق دانشجویی تبدیل شده است؛ در حالی که اغلب کشورهای اروپایی مانند آلمان، بلژیک، ایتالیا و سوئد، تنها محدودیت‌هایی بر پوشش دختران مسلمان در محیط دانشگاهی اعمال کردند که صرفاً شامل محدودیت پوشیدن برقع است. کشور فرانسه، به دلیل باور به اصول سکولاریزم، هر نوع نشانه مذهبی را در محیط علمی ممنوع کرده است که منجر به شکل‌گیری مقاومت‌هایی توسط دانشجویان سال اول الجزایری در دانشگاه ملی فرانسه شد (ویسل‌هوفت، ۲۰۱۷: ۶۳۰). تومالا نارا و کلودیوس (۲۰۱۳)، سازگاری دانشجویان مسلمان ترکیه و عربستان سعودی را در دانشگاه بوستون در ایالت ماساچوست آمریکا مطالعه کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که تجربه تبعیض و احساس انزوا، مهم‌ترین چالش پیش روی این گروه، در سازگاری با محیط دانشگاهی است (تومالا نارا و کلودیوس، ۲۰۱۳: ۱۳۲).

نظر به آنچه مطرح شد؛ پژوهش‌های نامبرده را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. ابتدا پژوهش‌هایی که انگاره‌های ذهنی دانشجویان ایرانی را نسبت به تحصیل در غرب تصویرسازی کرده‌اند و دوم، پژوهش‌هایی که به‌طور کلی، مسائل دانشجویان مسلمان در برخی کشورهای غربی را مورد بررسی قرار دادند. شایان ذکر است؛ ماهیت این مطالعه، با هر دو دیدگاه متفاوت است؛ زیرا از یکسو، این مطالعه بر پایه تجربه زیسته دانشجویانی که در حال تحصیل در یک دانشگاه اروپایی هستند، بنا شده و نه نگرش و باور ذهنی مشارکت‌کنندگان و از سوی دیگر، وضعیت حقوقی

دانشجویان ایرانی را به عنوان یک ملیت مشخص و نه تعلق مذهبی مورد بررسی قرار داده است. برای این منظور، از نظریه اکسل<sup>۱</sup> هونت استفاده شده است.

هونت، در طرح تئوری به رسمیت‌شناسی، ضمن بهره بردن از مفهوم «سیاست زندگی» و ترکیب آن با مفهوم «شایستگی زندگی»<sup>۲</sup> و «سیاست رهایی‌بخش»، این مفاهیم را با «نظام زندگی اخلاقی»<sup>۳</sup> هگل تلفیق می‌کند و عرصه سیاست رهایی‌بخش را معطوف به آزادسازی افراد و گروه‌ها از قید و بندهای زندگی تعریف می‌کند. عرصه رهایی‌بخشی بر افزایش استقلال کنش یا اصل خودمختاری تأکید دارد که نوعی سیاست شانس‌های زندگی تلقی می‌شود؛ درحالی‌که سیاست زندگی، نوعی سیاست سبک زندگی است (گیدنز، ۱۳۷۹: ۲۲۳).

عرصه سیاست زندگی، نزد گیدنز و سیاست رهایی‌بخش برای هابرماس و «سیاست تفاوت» نزد فمینیست‌های مکتب نظرگاه<sup>۴</sup> و «سیاست به رسمیت‌شناسی» نزد هونت، از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تنوع جنبش‌های اجتماعی جدید تلقی می‌شوند. از نظر او، هویت‌یابی در جریان همین کنش‌های متقابل میسر می‌شود که مبتنی بر مفهوم «تفاوت»<sup>۵</sup> است. ایده هویت‌های متفاوت، موضوعی است که در مرکز توجه جرج هربرت مید<sup>۶</sup> قرار دارد. او با تشخیص این مهم که باید زبان و گفتار را محصولات اجتماعی دانست، کثرت و تفاوت را در بستر تعامل اجتماعی و حیات گروهی تبیین می‌کند (لیتینن، ۲۰۱۵). از نظر او، تعیین هویت، در جریان مناسبات اجتماعی انجام می‌گیرد و عرصه سیاست تفاوت، سیاست ارج گذاشتن و جلب توجه به تفاوت هویت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی افراد و گروه‌های اجتماعی است. در واقع، ساخت‌بندی هویت، ماهیت میان‌گروهی و فرایندهای تعریف گروهی سرشت تعاملی دارند. بنابراین، سیاست تفاوت، کوششی برای مطالعه تأثیرات تفاوت‌های زبانی و فرهنگی در جوامع مختلف به‌ویژه در زمینه جنسیت، تمایلات جنسیتی، ملیت، نژاد و قومیت است (هونت، ۲۰۰۴). او نبرد برای به رسمیت‌شناسی از سوی کنشگران را نیز تمایلی برای تأسیس نهادی و فرهنگی هویت می‌داند و معتقد است؛ تجربه بی‌حرمتی و بی‌منزلی، کنش‌گران را به آفرینندگان جنبش به رسمیت‌شناسی مبدل می‌کند (هونت، ۱۹۹۶: ۷).

نزد هونت، سیاست به رسمیت‌شناسی، مبتنی بر سه نوع نظم است که به‌وسیله اشکال مختلفی از نیازها و انتظارات تعریف می‌شود:

1. Axel Honneth
2. Livability
3. Ethic system of life
4. Standpoint approach
5. Difference
6. George Herbert Mead

۱. به رسمیت شناسی هم‌زمان، یک مقوله فردی و یک نیاز اجتماعی است. نیاز فردی، سوژه نیل به اعتماد به نفس<sup>۱</sup> و بسط مرزهای شناخت و باور خود.

۲. شناخت جایگاه سیاسی - حقوقی، خود در پرتو دستورات حقوقی که موجبات حرمت نفس<sup>۲</sup> را برای سوژه فراهم می‌کند.

۳. به رسمیت شناسی، بنیان‌های موقفی از همکاری یک عضو جامعه که تلاش می‌کند، با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی، کرامت نفس<sup>۳</sup> خود را بسازد.

اعتماد به نفس، در جریان روابط صمیمانه میان فرد با دیگران شکل می‌گیرد و یک بخش از هویت فرد، در ارتباط با آنچه دیگران به رسمیت می‌شناسند، توسعه می‌یابد. هونت، معتقد است که هر فرد، فردیت خود را از آنچه دیگران هستند، جدا می‌کند؛ بدون آن که از هویت‌های منحصر به فرد آن‌ها آگاه باشد، وارد آشتی با دیگران<sup>۴</sup> می‌شود. هونت، متأثر از مید معتقد است؛ تکوین هویت سوژه، نیازمند طرحی است که در آن روابط مبتنی بر اعتماد ساخته می‌شود و فرد، بدون ترس از رد شدن، فرصت ابراز وجود پیدا می‌کند (فلمینگ، ۲۰۰۸: ۴۵).

دومین نوع رابطه با خود، مبتنی بر حرمت نفس است. هنگامی که فردی در یک ارتباط حقوقی توسط ساختارهای سیاسی به عنوان یک شخص بالغ قانونی و اخلاقی شناخته می‌شود، هم حق و هم توانایی عملی برای بحث و مداخله نهادی در ساختارهای دولت برای به رسمیت شناخته شدن را دارد.

سومین نوع رابطه با خود، در شرایطی محقق می‌شود که فرد، نزد خود و نظام حقوقی جامعه شناسایی می‌شود. تکمیل فرایند به رسمیت شناسی، نیازمند برقرار کردن شرایطی مساعد برای ارتقای همبستگی و مشارکت اجتماعی است. در این قسمت، شناسایی متقابل از طریق «کار»، انسجام میان افراد را تقویت می‌کند. افراد در این مرحله، کرامت خود را در جامعه درک می‌کنند (هونت، ۲۰۰۴: ۷۸).

هونت، این سه مرحله را در امتداد و ارتباط با هم، زمینه‌ساز پیدایش جنبش‌های جدید تعریف می‌کند و تنوع آن‌ها را در قالب گرفتار شدن در یک مرحله و بازماندن از مرحله تکاملی بالاتر می‌داند؛ زیرا نادیده انگاشتن هویت فرد یا گروهی از افراد جامعه، در هریک از این سه مرحله، منجر به پیدایش سه سطح از بی‌حرمتی می‌شود. در سطح اول، اگر کسی مورد غفلت قرار بگیرد یا تحقیر شود، اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد. در سطح دوم، حقوق شهروندی آن‌ها محل تردید قرار می‌گیرد یا به عبارت بهتر؛ حرمت اجتماعی نادیده انگاشته می‌شود. در مرحله سوم، منزلت و جایگاه فرد در روابط روزمره آسیب می‌بیند. در این وضعیت، هویت و شأن، مشمول

1. Self- confidence
2. Self- respect
3. Self- esteem
4. Reconciled with others

نامشهودی یا اختلال می‌شود. در جدول شماره (۱)، مراحل تکوین هویت در نظریه هونت نشان داده شده است.

جدول (۱): مراحل تکوین هویت در نظریه هونت

اشکال بی‌هرمتی	اشکال به‌رسمیت‌شناسی	اشکال ارتباط با خود
غفلت و سوء استفاده	به‌رسمیت‌شناسی روانی (خانواده)	اعتماد به نفس
خشونت قانونی	به‌رسمیت‌شناسی حقوقی (جامعه مدنی)	حرمت نفس
خشونت نمادین	به‌رسمیت‌شناسی اجتماعی - سیاسی (دولت)	کرامت نفس

منبع: (فلمینگ، ۲۰۰۸: ۲۲۲)

## روش پژوهش

در پژوهش حاضر، به‌منظور بررسی وضعیت به‌رسمیت‌شناسی دانشجویان دختر ایرانی، رویکردی کیفی اتخاذ شده است. این پژوهش، ماهیت پدیدارشناختی دارد و تجربیات زیسته یک گروه از دانشجویان ایرانی را تحلیل می‌کند (اپل‌گارت و نوتلا، ۲۰۱۶: ۶۹). جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، با استفاده از دو روش گروه‌های متمرکز<sup>۱</sup> و مصاحبه فردی انجام شده است. گروه متمرکز، مبتنی بر گفتگوی جمعی مفصل، درباره یک موضوع خاص است و فرصتی را برای محققان فراهم می‌کند تا شناخت تجارب زیسته شرکت‌کنندگان بر اساس تعامل میان آن‌ها و محقق، منجر به تولید داده‌های هدفمند در پژوهش شود. دلیل استفاده از این روش در مطالعه حاضر، امکان به بحث گذاشتن تجارب مشترک میان دانشجویانی است که شناخت قبلی از یکدیگر ندارند؛ اما در فضای و موقعیت مشابهی قرار گرفتند.

## جمع‌آوری داده‌ها

روش اصلی جمع‌آوری داده‌ها، گفتگوهای گروهی در قالب گروه متمرکز و مصاحبه‌های انفرادی به‌صورت آنلاین و آفلاین است. نمونه‌گیری نظری و هدفمند، برای مشارکت شرکت‌کنندگان بر اساس ویژگی‌های خاص انجام شد. از شرکت‌کنندگان دعوت شد تا از طریق یک تماس عمومی در گروه تلگرام، دانشجویان ایرانی مقیم پادوا شرکت کنند. به‌دلیل حساسیت موضوع، اهداف و معیارهای مشخصی که بر اساس آن نمونه‌ها انتخاب شده بودند، اعلام عمومی نشد و به همه شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که کاملاً ناشناس می‌مانند؛ سپس از آن‌ها خواسته شد تا فرم رضایت برای شرکت در پژوهش را امضا کنند. از شرکت‌کنندگان دعوت شد تا تجربیات خود را به اشتراک بگذارند. این تجارب، شامل انگیزه‌های شخصی، روال قانونی و اداری طی کردن فرآیندهای بوروکراتیک و توصیف فضای اجتماعی در شهر پادوا بود. گروه متمرکز آنلاین، دو ساعت به طول انجامید و سپس آن‌ها به مصاحبه‌های فردی دعوت شدند تا پژوهشگر اطمینان حاصل کند که فرصت طرح کلیه موضوعات خصوصی و یا تجارب خاص خود را داشتند. هر یک

1. Focus Group



از این مصاحبه‌ها، بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید. ساختار اصلی در کلیه مصاحبه‌ها، به صورت نیمه ساختاریافته بود که با به اشتراک گذاشتن داستان‌های شرکت‌کنندگان به زبان خودشان و صحبت در مورد تجربیات آن‌ها، امکان توصیف، دسته‌بندی و مقایسه روایت شرکت‌کنندگان با توجه به اولویت‌بندی دقیق‌تر فراهم شد (مورس، ۱۹۹۵: ۴۵).

### شرکت‌کنندگان

شرکت‌کنندگان، متشکل از هشت دانشجوی دختر ایرانی در مقطع تحصیلات تکمیلی در دانشگاه پادوا بودند. با توجه به روش پژوهش و حساسیت موضوع، شرکت‌کنندگان از بین دوستان نزدیک انتخاب نشدند. اندازه گروه متمرکز، کوچک انتخاب شد تا شرکت‌کنندگان احساس آزادی در بیان ایده خود داشته باشند.

### نمونه‌گیری

در این مطالعه، از نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد؛ زیرا انتخاب بر اساس در دسترس بودن و تمایل به شرکت در پژوهش انجام شد. معیارهای انتخاب شرکت‌کنندگان به شرح زیر بود:

۱. عضویت در گروه دانشجویان ایرانی مقیم پادوا
۲. شرکت‌کننده باید زن باشد.
۳. شرکت‌کننده باید در ایران متولد شده باشد - برای مقایسه دو محیط دانشگاهی متفاوت.
۴. شرکت‌کننده باید حداقل شش ماه به صورت فیزیکی در پادوا حضور داشته باشند؛ زیرا آشنایی با زمینه اجتماعی مهم بود.
۵. برای رعایت مفهوم تنوع در نمونه‌گیری، مشارکت‌کنندگان بر اساس عکسی که در پروفایل دانشگاهی آپلود کرده بودند، انتخاب شدند تا دانش‌آموزان محجبه و بدون حجاب، شانس یکسانی برای شرکت در مطالعه داشته باشند.

جدول ۲: مشخصات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان

نام مستعار	سن	مقطع تحصیلی	طول دوره اقامت (به ماه)	رشته تحصیلی	نحوه پوشش
فاطمه	۳۵	دانشجوی دکترا	۶	کشاورزی	محجبه
الهه	۲۴	کارشناسی ارشد	۱۸	مهندسی کامپیوتر	غیر محجبه
زهره	۲۸	دانشجوی دکتری	۶	مهندسی عمران	محجبه
ماها	۳۸	کارشناسی ارشد	۱۸	کشاورزی	غیر محجبه
مهسا	۳۰	کارشناسی ارشد	۱۲	توسعه	غیر محجبه
آینور	۳۳	کارشناسی ارشد	۸	مطالعات اجتماعی	غیر محجبه
منوره	۲۴	کارشناسی ارشد	۹	مهندسی کامپیوتر	محجبه
سمیه	۲۶	کارشناسی ارشد	۱۵	حقوق	محجبه

### اعتبار پژوهش

جهت سنجش اعتبار و کسب اطمینان از صحت داده‌ها، از دو تکنیک استفاده شد: ۱- تکنیک ممیزی، استفاده از نظر چند متخصص، جهت نظارت در امر کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات؛ ۲- تکنیک کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا: در این روش، از مشارکت‌کنندگان خواسته

شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن‌ها نظر دهند. بنابراین، خلاصه‌ای از گزارش و روایت هر شرکت کننده تهیه شد و از آن‌ها درخواست شد تا صحت گزارشی که در خصوص آنان نوشته شده است را بررسی کنند و در صورت قصور در فهم مطلب ارائه شده، آن را تکمیل یا تصحیح کنند.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، برای تحلیل داده‌ها، از تحلیل موضوعی<sup>۱</sup> با الهام از پارادایم تحلیل مقایسه‌ای مداوم<sup>۲</sup> اشتروس و کوربین استفاده شد. به این ترتیب که کدگذاری باز<sup>۳</sup> با استناد به منطق عین کلمات<sup>۴</sup> و در مواردی هم کدهای سازه‌ای<sup>۵</sup> محقق انجام شد. مرحله کدگذاری محوری که معمولاً به منظور اریب زدن یا مرتبط کردن مفاهیم به یکدیگر انجام می‌شود، در این پژوهش با معیار قرار دادن سه مفهوم اصلی از نظریه اکسل هونت شامل: «اعتماد به نفس»، «حرمت قانونی» و «منزلت اجتماعی» به اجرا درآمد. در نهایت از ۸ مصاحبه انجام شده، ۱۸۹ کد اولیه و ۸ طبقه میانی استخراج شد که با توجه به سه مفهوم نظری نامبرده، فرمول‌بندی شدند. به‌عنوان نمونه؛ طبقات «برچسب خوردن»، «احساس نابرابری» و «باخودبیگانگی» ذیل مفهوم اعتماد به نفس قرار گرفتند. «ناآگاهی نسبت به قوانین»، «عدم پذیرش قوانین تبعیض آمیز» و «نقض قوانین»، معرف وضعیت قانونی دانشجویان و در نهایت «احساس طرد» و «فاصله اجتماعی» منزلت اجتماعی دانشجویان را شرح دادند. جهت مدیریت داده‌ها، از نرم‌افزار MAX Q DATA نسخه ۱۲ استفاده شد.

## یافته‌ها

در پژوهش حاضر، سه مقوله اصلی بر اساس ویژگی‌ها، ابعاد و زمینه شرکت‌کنندگان استخراج شد. در نهایت، بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده، یک نظریه معطوف به پژوهش حاضر تولید شد که قادر است، دلالت‌های معنایی احساس به‌رسمیت‌شناسی دانشجویان دختر ایرانی را در دانشگاه پادووا معرفی کند.

### ۱. اعتماد به نفس

اعتماد به نفس در عرصه فردی، امکان احساس ارزشمندی فردی را برای یک عضو مجموعه فراهم می‌کند؛ به‌طوری که یک شخص به این باور می‌رسد که صرفاً بودنش برای مجموعه‌ای که

1. Thematic Analysis
2. Constant Comparison-
3. Open Coding
4. In vivo codes
5. constructed codes

در آن عضو است، مفید می‌باشد (لیتینن ، ۲۰۱۲: ۲۹). احساس اعتماد به نفس در دانشجویان دختر ایرانی، بر اساس سه مقوله فرعی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت:

#### برچسب خوردن

مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که دانشگاه به دلیل صدور کارت دانشجویی متفاوت، به صورت سازمان‌یافته‌ای، ایرانیان را از دیگر دانشجویان متمایز کرده است؛ درحالی‌که انتظار آن‌ها این بود که دانشگاه فارغ از قومیت، نژاد، مذهب و ملیت، دانشجویان بین‌المللی را پذیرش کنند. بر اساس اظهارات مشارکت‌کنندگان، مفهوم ملیت ایرانی با تحریم‌های بین‌المللی گره خورده و این یک برچسب غیرقابل جبران است. مهسا، این وضعیت را این‌گونه توصیف می‌کند: «کارت دانشجویی ایرانیا با سایر دانشجویان بین‌المللی متفاوت است. این بسیار مایوس‌کننده است که به دانش‌آموزان ایرانی، فلش‌کارت ارائه نمی‌شود». ماها، یکی دیگر از شرکت‌کنندگان، می‌گوید: «این خیلی خجالت‌آور است که ایرانی‌ها نمی‌توانند مثل سایر دانشجویان از کارت دانشجویی خود برای بازدید از موزه‌ها، مکان‌های تفریحی و مواردی از این قبیل استفاده کنند».

مشارکت‌کنندگان، بر حسب این که محجبه یا بدون حجاب بودند، درخصوص مقوله برچسب، دیدگاه‌های متفاوتی را مطرح کردند. درواقع داشتن حجاب در دانشگاه توسط آن‌ها، نوعی انگ تلقی می‌شد که آن‌ها را در زمره گروه مسلمانان قرار می‌داد. در این صورت، آن‌ها نه با ملیت یا موقعیتشان، بلکه با یک نشان مذهبی مورد قضاوت قرار می‌گرفتند. منوره، به‌عنوان یک دانش‌آموز محجبه می‌گوید: «یک دوست ایتالیایی دارم که خانواده‌اش مسلمان اهل بوسنی هستند. او به من گفت؛ خودش به کسی نمی‌گوید که مسلمان است، زیرا رفتارهای مردم قطعاً تغییر می‌کند و دوستانش را از دست می‌دهد». فاطمه هم برای فرار از این قضاوت‌ها، بعد از مدتی حجاب را درآورد؛ زیرا به زعم او: «متمایز بودن از دیگران، هزینه‌هایی دارد که من حاضر به پذیرش عواقبش نیستم».

#### احساس نابرابری

سهم مساوی از امکانات داشتن، به‌طور قابل توجهی، بر حس ارزشمندی و درنهایت اعتماد به نفس کنش‌گران تأثیر می‌گذارد و محرومیت از این برابری، به دلیل برخی تفاوت‌های بیولوژیک یا اعتقادی، موجب سرخوردگی می‌شود. مسلمانان، گروه خاصی از دانشجویان بین‌المللی در اروپا هستند که به دلیل سبک زندگی و نیازهای متفاوتی که دارند، بیش از سایر گروه‌ها نادیده انگاشته می‌شوند (سیگی و دیگران، ۲۰۱۰: ۶۱). مشارکت‌کنندگان معتقد بودند؛ دانشگاه به‌عنوان یک دانشگاه بین‌المللی که در آن، تعداد زیادی از دانشجویان مسلمان پذیرش گرفتند، نیازمند شناخت برخی نیازهای هنجاری و فرهنگی این گروه است. غذای حلال، فضایی برای اقامه نمازهای واجب و سالن ورزشی تک‌جنسی، از جمله مهم‌ترین نیازها به حساب آمد. آینور، احساس محرومیت خود را این‌گونه طرح کرد: «من هرگز گوشت خوک یا اختاپوس [غذاهای ممنوعه

برای مسلمانان] نمی‌توانم بخورم؛ اما سلف دانشگاه، گوشت حلال در اختیار ما نمی‌گذارد. به همین دلیل است که همیشه کارت غذاخوری‌مو برای فروش می‌ذارم». زهره، در مقام یک دانشجوی محجبه گفت: «من توقع ندارم که در دانشگاه مسجدی برای مسلمانان باشد؛ اما فقط به یک مکان مناسب برای نماز نیاز دارم». فاطمه، یکی دیگر از دانشجویان محجبه نیز خاطر نشان کرد: «دانشجویان مسلمان، نه تنها از ورزشگاه دانشگاه محروم هستند؛ بلکه به دلیل مختلط بودن، امکان استفاده از استخر دانشگاه را نیز ندارند». از دیگر فضاهایی که بدون توجه به اعتقاد مسلمانان، در دانشگاه طراحی شده است، سرویس‌های بهداشتی هستند. ماها، تجربه خود را از توالت‌های دانشگاه چنین مطرح کرد: «جایی برای نظافت وجود ندارد. (شستشوی بدن)». الهه نیز می‌گوید: «من کاری به نماز هم ندارم؛ اما بدون طهارت، عفونت‌های دستگاه ادراری و هزار تا مرض دیگر می‌گیریم».

### باخودبیگانگی

حالتی که مانع احساس تعلق، خودشکوفایی و تمایل فرد به فعلیت یافتن توان بالقوه فرد می‌شود؛ درحالی‌که بیشتر دانشجویان بین‌الملل، پس از رویارویی با برنامه‌ها، اهداف و محیط جدید دانشگاهی، متوجه چالش‌های زندگی جدید می‌شوند، نوعی احساس بیگانگی با خود، امری طبیعی به‌شمار می‌رود؛ زیرا آن‌ها فرصت کافی برای شناخت (بری و دیگران، ۲۰۱۷) بخش بزرگی از «خود» را که پس از مهاجرت تحصیلی با آن روبرو می‌شوند را پیدا نکرده‌اند. یکی از رایج‌ترین این چالش‌ها، موانع زبانی<sup>۱</sup> است که توسط بخش قابل توجهی از مشارکت‌کنندگان، به‌عنوان عامل اصلی باخودبیگانگی مطرح شد. الهه، تجربه خود را در این خصوص چنین مطرح می‌کند: «ارتباط با کسانی که در ایتالیا قادر به صحبت کردن به زبان انگلیسی نیستند، منو به شدت در خودم فرو می‌بره. انگار چیزی برای به اشتراک گذاشتن نداری ...».

موضوع روش‌های متفاوت تدریس در ایران و اروپا و عدم آشنایی دانشجویان، با قواعد آموزش، اهمیت منابع برای استادان مختلف و از همه مهم‌تر عدم آشنایی با فرهنگ ارتباطی میان استاد و دانشجو، از مهم‌ترین عوامل بیگانه شدن دانشجویان ایرانی با خودشان در محیط دانشگاهی جدید است که توسط مشارکت‌کنندگان مطرح شد. ماها، در این خصوص می‌گوید: «برای من خیلی دشوار است که بفهمم، چه منابعی برای یک درس مهم است؛ استادان منابع زیادی معرفی می‌کنند؛ اما فقط دانشجویانی که قبلاً با او درس داشته‌اند، قادر به پیش‌بینی سؤالات احتمالی هستند». مهسا نیز معتقد است: «ما اینجا، یعنی دانشجوی ارشد هستیم، ولی عملاً از ضعیف‌ترین دانشجوی لیسانس اینا هم اطلاعات و دانش کمتری داریم؛ چون با محیط و منابع و استادان خیلی بیگانه‌ایم».

1. Language barrier

گروهی از مشارکت‌کنندگان که اغلب آن‌ها دانشجویان محجبه بودند نیز بین داشتن حجاب به‌عنوان نماد اسلامی قابل مشاهده و احساس از خودبیگانگی ارتباط برقرار می‌کردند. سمیه می‌گوید: «مسلمانان، در غرب شهرت خوبی ندارند. به‌طور کلی، درک آن‌ها از ما ایرانی‌ها یا ما محجبه‌ها، فرسنگ‌ها با خود واقعی‌مان فاصله دارد. همین شکاف انگیزه، منو برای ادامه تحصیل در اینجا کم می‌کند. راستش تا همین‌جاشم پشیمونم».

## ۲. جایگاه قانونی

یکی از مهم‌ترین الزامات به‌رسمیت‌شناخته شدن حقوق افراد، طبق استدلال هونت، جایگاه قانونی اشخاص در یک بستر اجتماعی است. بر این اساس، اعضای یک گروه یا جامعه، زمانی به یک وضعیت حقوقی معین می‌رسند که بتوانند در یک رابطه عملی در تعامل با قانون‌گذاران قرار گیرند و یا در معرض قوانین قابل قبول و عادلانه اجتماعی که جهان‌شمول است، قرار گیرند (هونت، ۱۹۹۶). افراد نمی‌توانند به‌صورت سوزهای مقهور و بدون توان تعیین‌کنندگی، صرفاً در معرض قوانینی قرار گیرند که در برابر آن، توان کنش‌گری نداشته باشند. مشارکت‌کنندگان، در این مطالعه تأکید داشتند که به‌عنوان یک جمعیت رسمی، تحت عنوان دانشجوی بین‌المللی جایگاه حقوقی مشخصی برای خود متصور نیستند. در این مطالعه، تجربه نامبرده ذیل سه مقوله تشریح می‌شود:

### ناآگاهی نسبت به قوانین

بیشتر شرکت‌کنندگان اظهار داشتند که از قوانین، مقررات و حقوق خود بی‌اطلاع هستند. منوره، در این زمینه بیان می‌کند: «من به‌طور کلی از بحث قانون و موضوعات حقوقی چیزی نمی‌دونم. اولین سؤالی که اینجا برام پیش آمد، این بود که من چه حقوقی دارم، به‌عنوان یک دانشجو؟» زهره نیز معتقد است؛ ناآگاهی از وضعیت حقوقی، منجر به نوعی بلا تکلیفی برای تصمیم‌گیری در آینده می‌شود؛ زیرا مبنای هر قدمی، دانش نسبت به پیامدهای آن تصمیم است. او صحبت‌های خود را این‌گونه ادامه می‌دهد: «قانون مدنی ایتالیا، در مورد کار دانشجویی چه می‌گوید؟ اگر در ایتالیا مورد آزار و اذیت قرار گرفتیم، چه کنیم؟ نمی‌دانم، اگر مشکلی برآیم پیش بیاید، چه کاری می‌توانم انجام دهم.» مهسا، در مورد قربانی شدن توسط دلالان خانه و سارقان دوچرخه، همین نظر را بیان کرد. او همچنین به شرایط همه‌گیری بیماری کوید اشاره می‌کند که به‌موجب آن، قوانین جدید به‌روزرسانی می‌شد؛ اما دانشجویان، فقر اطلاعاتی داشتند و به‌همین دلیل، جریمه و مجازات می‌شدند. الهه، در این خصوص گفت: «زمانی که با مسائل حقوقی کشوری که در آن تحصیل می‌کنید، ناآشنا باشید. هر بلایی ممکن است، محتمل باشد و این بسیار آزاردهنده است. کشوری که نه اخبار، نه مجله و هیچ اطلاعی از شرایط ندارد.» ماها می‌گوید: «مسائل حقوقی، آنقدر پیچیده هستند که با مرورگر ترجمه گوگل هم نمی‌توان از آن سر در آورد.»

## عدم پذیرش قوانین تبعیض آمیز

گروه زیادی از مشارکت‌کنندگان، نسبت به برخی قوانین که علیه آن‌ها اعمال می‌شد، به شدت اظهار نگرانی و نارضایتی داشتند؛ اگرچه این قوانین، به زعم بسیاری از این دانشجویان، تبعیض آمیز و ناعادلانه تلقی می‌شد، اما آن‌ها در تبعیت از این قوانین گریزناپذیر، امکان دیگری نداشتند. یکی از این موارد، تحریم‌های بانکی علیه دانشجویان ایرانی بود که به صورت سازمان‌یافته، حریم خصوصی و حقوق شهروندی دانشجویان را نقض می‌کرد. با توجه به این که تأمین هزینه زندگی دانشجویان، به شدت وابسته به مسائل بانکی است، اعمال تحریم‌های بین‌المللی، نه تنها باز کردن حساب را برای دانشجویان ایرانی مخاطره‌آمیز کرده است؛ بلکه امنیت حساب آن‌ها نیز به شدت متزلزل گزارش شد. آی‌نور، در این خصوص چنین گفت: «باز کردن حساب بانکی، مثل یک کابوس بود. بعد از ۴ ماه، حمل ۵۰۰۰ یورو در دستم، دانشگاه پادووا ما {ایرانی‌ها} را تشویق کرد که در بانک UB حساب باز کنیم؛ در حالی که دانشجویان دیگر در بانک دیگری حساب داشتند. طولی نکشید که یک شرکت بریتانیایی، بانک را خرید و این بانک، همه حساب‌های ما را یک‌شبه بست و ۱۰۰۰ یورو را بدون هیچ مجوز و یا حتی اطلاعات قبلی مسدود کرد؛ در حالی که ما هیچ حمایتی از سوی دانشگاه دریافت نکردیم، به سختی توانستیم پول‌های بلاک شده خود را پس بگیریم». الهه، ضمن تأیید این خبر گفت: این مشکل، در اواسط امتحانات اتفاق افتاد و شک ناشی از آن، ضربه جبران‌ناشدنی به بار آورد. منوره، آن را بدترین اتفاق دوران دانشجویی عنوان کرد که مانع ثبت نامش در یک برنامه علمی شد. زهره معتقد بود که بازی‌های سیاسی بین دولت‌ها، بر زندگی دانشجویی تأثیر گذاشته است. او که بورسیه دولت ایران بود، در تمام دوران حضورش، هیچ بانکی پول نقد او را قبول نکرد.

## نقض قوانین

بسیاری از دانشجویان ایرانی، در پاسخ به نادیده انگاشته شدن و به رسمیت شناخته نشدن حقوقشان به عنوان یک دانشجوی بین‌المللی، از مکانیسم دفاعی دور زدن قانون (قانون شکنی‌های خرد) استفاده می‌کردند. این سطح از مقاومت، در برابر قوانین تبعیض آمیز را در ارائه مدارک جعلی برای دریافت کمک هزینه از سوی دانشگاه و دریافت خدمات مالی می‌توان مشاهده کرد که دولت ایتالیا در دوران کرونا، به افراد نیازمند اختصاص می‌داد. یکی از شرکت‌کنندگان، این وضعیت پیچیده را به شرح زیر بیان می‌کند. سمیه می‌گوید: «خیلی از ما، مدارک جعلی به دانشگاه ارائه دادیم تا اظهار کنیم که وضعیت مالی خوبی نداریم و نمی‌توانیم از پس هزینه‌های تحصیلمان بریابیم. برای همین به اکثر ما بورس استانی<sup>۱</sup> تعلق گرفته».

از دیگر موارد عدم پایبندی به قوانین دانشگاه پادووا، فروش کارت‌های غذا به افراد غیردانشجو با قیمت بیشتر، به منظور کسب درآمد از امکاناتی است که دانشگاه برای دانشجویان فراهم کرده

است. دانشجویان با سوءاستفاده از ماسک‌های صورت که پوشیدن آن در دوران همه‌گیری کوید ۱۹ اجباری بود، برخلاف مقررات دانشگاه، کارت خود را در اختیار افراد غیردانشجو قرار می‌دادند. فاطمه و زهره معتقد بودند: «خرید و فروش کارت منسا {خوراک}، اقدامی انتقام‌جویانه در مقابل عدم ارائه غذای حلال و نادیده گرفته شدن حق دانشجویان مسلمان است». از دیگر اقدامات غیرقانونی و تلافی‌جویانه دانشجویان در پادوا، خرید و فروش ارز و تشکیل سامانه پستی است. آینور، در این خصوص می‌گوید: «به‌خاطر تحریم‌های بانکی، انتقال پول از طریق سیستم بانکی انجام نمیشه؛ بلکه دانشجویها خودشون با هم معامله می‌کنند. اینجوری معاملات کارمزد نداره و محدودیتی هم وجود نداره.» سمیه معتقد است؛ این معاملات همیشه امن نیستند. تعداد زیادی از دانشجویان، طعمه اکانت‌های فیک و کلاهبرداری شده‌اند. مهسا، تجربه خود را در مورد واکنش دانشجویان به تحریم شرکت‌های پستی به ایران بیان می‌کند: «از طریق پست، ما ایرانی‌ها، نه می‌توانیم چیزی را به ایران ارسال کنیم و نه از ایتالیا؛ اما بار زیادی توسط مسافرها جابجا میشه. دانشجویهای زیادی توی گمرک ایران گیر می‌کنن و نمی‌تونن امانتی رو به دست صاحباشون برسونن».

### ۳. منزلت اجتماعی

منزلت اجتماعی، به نگرش دیگران نسبت به فرد اطلاق می‌شود. در یک جامعه خوب، افراد صرف‌نظر از موقعیت و پایگاهشان و بدون قید و شرط، شایسته احترام هستند (هونت، ۲۰۰۴). هرچه منزلت اجتماعی اعضای جامعه بیشتر مشروط تشخیص داده شود، افراد دلایل آشکارتری برای بی‌احترامی به پایگاه‌های دیگران پیدا می‌کنند (حیات، ۲۰۲۰). دانشجویان ایرانی، برای توصیف وضعیت حقوقی‌شان، به شرح روابط اجتماعی خود پرداختند که در قالب دو مقوله فرعی زیر توضیح داده می‌شود:

#### تجربه طرد

تعداد زیادی از دانشجویان، به فضای انحصاری و نامطلوب دانشجویان دختر محجبه در فرودگاه، بانک‌ها، کلاس‌های حضوری، مراکز خرید، بیمارستان‌ها و غذاخوری دانشگاه اشاره کردند. اگرچه برخی از آن‌ها، حجاب اجباری خود را کنار می‌گذارند، اما همچنان احساس می‌کنند همچنان در معرض طرد اجتماعی هستند، وقتی که ملیت آن‌ها در روابط نزدیک‌تر فاش می‌شود. مهسا، یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «من همیشه به دلیل حجایی که به صورت اجباری در عکس پاسپورتم داشتم با پلیس گذرنامه به مشکل برمی‌خورم. شناسایی من برای پلیس در فرودگاه‌ها، بانک‌ها، اداره پست و هر جایی که لازمه انطباق چهره صورت بگیره دشواره؛ بنابراین کارکنان به من خیره می‌شوند و چندین بار عکس من را بررسی می‌کنند تا مطمئن شوند که آیا من هستم یا نه ... حس خوبی نیست.» ماها نیز نظر مشابهی داشت او می‌گوید: «من هیچ‌گاه راحت از گیت چک پاسپورت رد نمی‌شم؛ اما این بار به‌خاطر ماسک دیگر نزدیک بود، فاجعه‌ای رخ دهد؛ اما خوشبختانه فردی

انگلیسی می‌دانست و با سیاست ایران، در قبال ظاهر زنان آشنا بود». الهه، یکی دیگر از شرکت‌کنندگان نگرانی‌های خود را در خصوص آینده شغلیش به‌خاطر عکس با حجابش در اروپا چنین مطرح می‌کند: «زمانی که در ایران بودم، برای دانشگاه‌های ایتالیا، عکسی با حجاب ارسال کردم که اون موقع به‌خاطر قوانین ایران بوده و نمی‌دونستم، نمی‌تونم تغییرش بدم. تازه فهمیدم که عکس محجبه منو اساتید می‌بینند. من بیش از حد می‌ترسم که داشتن حجاب روی ذهن آن‌ها تأثیر بگذارد و آینده من را کاملاً از بین ببرد».

### فاصله اجتماعی

مفهوم فاصله اجتماعی، به‌معنای احساسی است که مشارکت‌کنندگان تصور می‌کنند و یا درحقیقت علیه آن‌ها در روابط اجتماعی وجود دارد. الهه مدعی شد، هم‌کلاسی‌هایش به‌دلیل جنسیت یا ملیت‌شان به‌سختی حاضر می‌شوند با اون هم‌گروه شوند، اما تعداد بسیار زیادی از دانشجویان از وجود برخی دیدگاه‌های نژادپرستانه در میان گروه‌های مختلف مردم؛ از جمله استادان، صاحب‌خانه‌ها، مغازه‌داران و ... ابراز نارضایتی کردند. مهسا در این خصوص می‌گوید: «همه‌چیز خیلی خوب پیش می‌رود تا وقتی صاحب‌خانه از ملیت ما چیزی نداند؛ اما دانشجویان ایرانی، به محض فرستادن پاسپورت آن‌ها، صاحب‌خانه‌ها دبه درمی‌آورند که حاضر نیستند، به ایرانی‌ها خانه اجاره بدهند». ماها می‌گوید: «در مسیر پیدا کردن خونه بسیار شده که پاسخی دریافت نکردم، مسدود شدم یا پاسخ منفی دریافت کردم». مشارکت‌کنندگان، دلیل این سطح از فاصله اجتماعی که صاحب‌خانه‌های ایتالیایی با دانشجویان ایرانی دارند را محدودیت‌های بانکی و نداشتن سابقه مالی شفاف می‌دانند که سایر دانشجویان بین‌الملل به‌راحتی فراهم می‌کنند.

از دیگر مصادیق فاصله اجتماعی، احساس راحتی دانشجویان برای حضور در فضای آموزشی و ارتباط گرفتن با کادر آموزشی و هم‌کلاسی‌ها است. در این خصوص، دانشجویان دختر محجبه نه‌تنها در محیط‌های عمومی، بلکه در فضای دانشگاهی به‌خاطر متمایز بودن و سنگینی نگاه دیگران، احساس شرمساری دارند. منوره، در مقام دانشجوی محجبه، تجربه خود را چنین شرح می‌دهد: «قبل از این که حضور در کلاس اجباری شود، مشکلی از نظر ظاهر نداشتم. وقتی با حجاب اسلامی وارد دانشگاه شدم، احساس بی‌ارزشی کردم ...». مهسا، این احساس را در مورد دوست محجبه‌اش که اهل نیجریه است، تأیید می‌کند و می‌گوید: «در حالی که او به مرکز اورژانس مراجعه کرده بود، او را پذیرش نمی‌کردند؛ زیرا تصور می‌کردند، او یک مهاجر غیرقانونی است تا با استادش تماس گرفتند و مشخص شد، یک دانشجوی بین‌المللی است». زهره، یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان محجبه، توضیح داد که چگونه خارج از فضای دانشگاه، بیشتر در معرض آزار و اذیت خیابانی قرار می‌گیرد و خودش فاصله اجتماعی برای خودش تعیین کرده است. او می‌گوید: «دانشجویان مسلمان زیادی در دانشگاه هستند و حجاب برای آن‌ها پذیرفته شده است. بنابراین، ترجیح می‌دهم، کمتر با افراد خارج از دانشگاه ارتباط داشته باشم».



## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، وضعیت حقوقی دانشجویان ایرانی را در یکی از دانشگاه‌های ایتالیا، با استفاده از نظریه به رسمیت‌شناسی اکسل هونت در سطح فردی، قانونی و اجتماعی، با تکیه بر تئوری به رسمیت‌شناسی بررسی می‌کند. در این قسمت، پس از مقایسه یافته‌های این پژوهش با تحقیقات پیشین، نتایج این مطالعه و راهکارهای مؤثر ارائه می‌شوند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، تجربه اختلال در شناسایی حقوق دانشجویان ایرانی در ایتالیا، در سطح فردی اعتماد به نفس آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است؛ به طوری که دانشجویان ایرانی به‌خاطر ملیتشان، کارت‌های دانشجویی متفاوتی در مقایسه با سایر دانشجویان بین‌الملل دریافت می‌کنند. اگرچه این کارت دانشجویی، طراحی نسبتاً مشابهی با سایر کارت‌های دانشجویی دارد؛ اما عملاً هیچ قابلیت و کاربردی ندارد. مشارکت‌کنندگان، از این وضعیت به‌عنوان شکاف هویتی یاد کردند که فرایند متمایزسازی یک یا چند گروه در یک مجموعه را فراهم می‌کند، این وضعیت، در مطالعه جانگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۷)، با عنوان «برچسب» یا «داغ» گزارش شده است (جانگ و دیگران، ۲۰۰۷: ۶۰۶). طبق یافته‌های این پژوهش، اعتماد به نفس دانشجویان همچنین تحت تأثیر احساس نابرابری کاهش یافته است. مطالعات مامی‌سشویلی<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) و آزادی (۲۰۲۲)، ضمن تأیید یافته‌های پژوهش حاضر، دسترسی نابرابر دانشجویان مسلمان به خدمات و امکانات رفاهی - دانشجویی، احساس تبعیض مذهبی و بی‌عدالتی را عامل تعیین‌کننده کاهش اعتماد به نفس دانشجویان مسلمان به‌ویژه در سال‌های اولیه حضور آن‌ها در دانشگاه‌های غربی می‌دانند (مامی‌سشویلی، ۲۰۱۲: ۲۵)؛ (آزادی و دیگران، ۲۰۲۰: ۶۷). یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر، موضوع از خودبیگانگی دانشجویان ایرانی در فرایند آموزش است. بیشتر مشارکت‌کنندگان، از بیگانگی با محیط و منابع آموزشی سخن گفتند که عملاً آن‌ها را به سوزهای بیگانه با توانایی‌های خود مبدل می‌کرد. این یافته، با نتایج پژوهش کیش‌آوی<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) سازگار است که نشان می‌دهد؛ دانشجویان مسلمان به دلیل سبک زندگی و نظام ارزشی متفاوت با فرهنگ غرب، به‌صورت جدی - تری در معرض از خودبیگانگی هستند (کیشاوی (۲۰۱۲). یافته‌های مطالعه حاضر، با نتایج مطالعات خواجه صالحی (۱۳۹۱) عسگری و تقوی (۱۳۹۰) و فرتوک‌زاده و اشراقی (۱۳۸۷) ناساز است؛ زیرا در این مطالعات، علت مهاجرت، انگاره مثبت، چشم‌انداز امیدبخش دانشجویان ایرانی نسبت به غرب و وجود عدالت اجتماعی در آنجا معرفی شده است؛ حال آن که تجربه زیسته دانشجویان ایرانی، نشان از احساس نابرابری دارد. در توضیح این وضعیت، می‌توان به افزایش تنش‌های اخیر میان ایران و غرب و فشارهای بین‌المللی اشاره کرد که به‌شدت شهروندان ایرانی در خارج از کشور را متأثر ساخته است.

1. Jung

2. Mamiseishvili

3. Kishawi

از دیگر مفاهیم اصلی مطالعه حاضر، جایگاه قانونی دانشجویان ایرانی است که طبق یافته‌های این پژوهش، متأثر از روابط بین‌الملل و روابط سیاسی غرب با ایران قرار دارد. تحریم‌های بانکی و قرار گرفتن نام ایران در لیست کشورهای ناقض قوانین بین‌الملل، نه تنها تبادل دانشجویی بین-المللی از ایران را با مشکل مواجه کرده، بلکه شرایط تحصیل و زندگی این گروه را نیز تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به اظهارات تعداد قابل توجهی از مشارکت‌کنندگان، هویت ملی دانشجویان ایرانی، بیش از هویت جنسیتی یا مذهبی آن‌ها موجب محرومیت‌های سازمان‌یافته از حقوق دانشجویی آن‌ها شده است. آن‌ها نه به‌عنوان یک زن مسلمان بلکه در مقام یک شهروند ایرانی، از حقوق اولیه خود محروم بودند (آزادی و دیگران، ۲۰۲۰: ۶۸). در این خصوص، یافته‌های این مطالعه برخلاف مطالعات ودینگ<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۹) و ریرو و سالم<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) که به نقض حقوق دانشجویان مسلمان، به‌دلیل هویت مذهبی آن‌ها پرداخته‌اند، به مسأله هویت ملی دانشجویان بین‌المللی ایرانی در غرب می‌پردازد. تضييع حقوق دانشجویان ایرانی، مقاومت‌هایی را علیه برخی قوانین تبعیض‌آمیز ایجاد کرده است.

بررسی وضعیت منزلت اجتماعی دانشجویان ایرانی در ایتالیا نیز نشان داد که به‌دلیل اختلال در احساس پذیرش اجتماعی دانشجویان در فضای عمومی جامعه ایتالیا، بیشتر مراودات اجتماعی دانشجویان، در قالب یک گروه آنلاین در شبکه تلگرام انجام می‌شد. اگرچه تحقیقات محدودی بر روی نقش شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان پناهگاهی برای حمایت از حقوق دانشجویان مسلمان در غرب متمرکز شده است؛ اما نتایج مطالعه سیگی<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) همسو با یافته‌های این پژوهش نشان داد، فعالیت‌های دانشجویان گروه‌های اقلیتی برای رفع موانع و محدودیت‌های اجتماعی است. توم‌مالا و میلنا<sup>۴</sup> (۲۰۱۳) نیز بر عملکرد رهایی بخش فضای مجازی بر کاهش استرس فرهنگی در دانشجویان دختر مسلمان در ایالات متحده متمرکز شدند. این تحقیقات نشان می‌دهد که چگونه دانشجویانی که احساس منزلت اجتماعی در فضای واقعی جامعه نمی‌کنند، تمایل بیشتری به فعالیت در گروه‌های آنلاین و ارتباط با گروه خودی دارند. با توجه به یافته‌های این پژوهش، فعالیت‌هایی از قبیل رد و بدل کردن تجارب دانشجویان برای فریب دانشگاه و ارائه اطلاعات نادرست به‌منظور بهره‌مند شدن از خدمات رفاهی، به همین منظور در گروه تلگرامی دانشجویان ایرانی در ایتالیا، ناشی از مقاومت این گروه نسبت به احساس طرد و جبران احساس فاصله اجتماعی است که در محیط واقعی تجربه می‌کردند، به روابط این گروه اجتماعی آنلاین پیوند می‌خوردند. آیینو و آزمن (۲۰۲۱) و کیو (۲۰۱۴)، ضمن تأیید یافته‌های پژوهش حاضر، حضور در شبکه‌های اجتماعی آنلاین توسط دانشجویان مسلمان در غرب را با احساس نیاز به

1. Wedding
2. Ribeiro and Saleem
3. Seggie
4. Tummala and Milena

منزلت اجتماعی در جامعه پیوند می‌دهند. بنابراین دانشجویان ایرانی که دارای وضعیت استثنایی در مقایسه با دانشجویان بین‌الملل دیگر در ایتالیا هستند، با وصل شدن به این گروه، انسجام درون‌گروهی را در مقایسه با انسجام برون‌گروهی تقویت می‌کنند تا بر احساس طرد غلبه کنند. این یافته، منطبق با نتایجی است که ویلیامز<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) نیز در مطالعه خود پررنگ کرده است. در یک نتیجه‌گیری علمی از یافته‌های پژوهش می‌توان گفت؛ شرایط دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های غربی، کاملاً متأثر از مواضع سیاسی جامعه بین‌الملل و هژمونی دول غربی نسبت به دولت جمهوری اسلامی است؛ شرایطی که در آن برخی حقوق دانشجویی، متأثر از شرایط سیاسی و تحریم‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته نمی‌شود. از این رو لازم است، دانشجویان پیش از تصمیم به مهاجرت تحصیلی، آگاهی و شناخت خود را از ضوابط دانشگاهی و قوانین دانشگاه مقصد افزایش دهند. با توجه به این که ایرانیان، بزرگترین گروه دانشجویان مسلمان در ایتالیا هستند، پیشنهاد می‌شود با تأسیس یک مجمع دانشجویی، انتقال نیازهای دانشجویی به کنسول-گری‌های میان دو کشور تسهیل شود.

---

1. Williams

## کتابنامه

- جوادزاده، پدram، (۱۳۹۴)، علل اجتماعی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه‌های آمریکا، مجله مدیریت فرهنگی، ۹(۲۸): ۹۵-۱۱۱.
- خواج‌صالحی، زهره، (۱۳۹۱)، مهاجرت نخبگان در عصر جهانی شدن اطلاعات و ارتباطات: تحلیلی بر مبنای بررسی تطبیقی ویژگی‌های جامعه صنعتی و جامعه شبکه‌ای، مطالعات راهبردی جهانی شدن، (۸): ۱۰۹-۱۴۰.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ کریم‌کشته، محمدحسین؛ محمودی، عبدالله، (۱۳۸۵)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی ایران)، پژوهش‌نامه بازرگانی، ۱۰(۳۹): ۳۹-۸۱.
- عسگری، حشمت‌اله و تقوی، مهدی، (۱۳۹۰)، رویکرد نوین به مسئله فرار مغزها و نقش آن در انباشت سرمایه انسانی در کشورهای مبدأ، مجله تحقیقات اقتصادی، (۳۱): ۹۵-۱۱۸.
- فرتوک‌زاده، حمیدرضا و اشراقی، حسن، (۱۳۸۷)، مدل‌سازی دینامیکی پدیده مهاجرت نخبگان و نقش نظام آموزش عالی در آن، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، (۵۰): ۱۳۹-۱۷۵.
- گیدنز، آتونوی. (۱۳۷۹)، جهان رها شده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران، انتشارات علم و ادب.
- مفتخری، علی؛ جعفری، محمد؛ ابونوری، اسماعیل؛ یونس نادمی، (۱۴۰۰)، بررسی اثرات نابرابری جنسیتی بر فرار مغزها در کشورهای در حال توسعه، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد مقداری.
- مشوق، محمود و نصری، عطیه (۱۳۹۷). مهاجرت بازگشتی دانشجویان ایرانی و تعیین‌کننده‌های آن: مطالعه‌ای در بین دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و کانادا. فصلنامه جمعیت، ۲۵(۱۰۳، ۱۰۴): ۹۱-۱۰۴.
- نجاتی، محمدحسین، (۱۳۸۹)، تعبیر جدید رئیس سازمان ملی جوانان درباره یک پدیده اجتماعی، به جای فرار مغزها بگوئیم هجرت فرهنگی، روزنامه تهران/امروز، شماره ۳۲۹.

## References

- Applegarth, G., & Nuttall, J, (2016), The lived experience of transgender people of talking therapies, *International Journal of Transgenderism*, 17, (2): 66-72.
- Askari, Heshmatollah and Taghavi, Mehdi, (2010), A New Approach to the Problem of Brain Escape and Its Role in the Accumulation of Human Capital in the Countries of Origin, *Journal of Economic Research*, (31): 95-118. (in Persian).
- Azadi, P., Mirramezani, M., & Mesgaran, M. B, (2020), Migration and brain drain from Iran, *Stanford Iran*, 2040, 1-30.

- Barry, C. T., Doucette, H., Loflin, D. C., Rivera-Hudson, N., & Herrington, L. L., (2017), Let me take a selfie: Associations between self-photography, narcissism, and self-esteem. *Psychology of popular media culture*, 6, (1): 48.
- Brown, L., (2009), International students in England: Finding belonging through Islam. *Journal of Muslim Minority Affairs*, 29, (1): 57-67.
- Fartokzadeh, Hamidreza & Eshraghi, Hassan, (2008), Dynamic Modeling of Elite Migration Phenomenon and the Role of Higher Education System in It, *Research and Planning in Higher Education*, (50): 139-175. (in Persian).
- Fleming, Ted & Finnegan, fergal, (2008), Honneth and recognition as sensitizing concept for narrative analysis: an Irish suggestion, *Social though journal*, 2, (1): 40-55.
- Giddens, Anthony, (2000), *The Abandoned World: Discourses on Global Integration*, translated by Ali Asghar Saeedi and Yousef Haji Abdolvahab, Tehran, Elm va Adab Publications. (in Persian).
- Hewitt, J. P., (2020), *22 The Social Construction of Self-Esteem*, The Oxford handbook of positive psychology: 309.
- Honneth, A., (1996), *The struggle for recognition: The moral grammar of social conflicts*, MIT press.
- Honneth, A., (2004), Recognition and justice: Outline of a plural theory of justice, *Acta sociologica*, 47, (4): 351-364.
- <https://www.statista.com>.
- Ibnu, I. N., & Azman, N., (2021), The Role of Islamic Piety Movements in the Lives of Malaysian Female Muslim Students in the United Kingdom, *Journal of Studies in International Education*, 10283153211027011.
- Javadzadeh, Pedram, (2015), Social Reasons for the Migration of Iranian Elites to American Universities, *Journal of Cultural Management*, 9, (28): 95-111. (in Persian).
- Jung, E., Hecht, M. L., & Wadsworth, B. C., (2007), The role of identity in international students' psychological well-being in the United States: A model of depression level, identity gaps, discrimination, and acculturation, *International journal of intercultural relations*, 31,(5): 605-624.
- Karaman, N., & Christian, M. (2020). "My hijab is like my skin color": Muslim women students, racialization, and intersectionality. *Sociology of Race and Ethnicity*, 6(4), 517-532.
- Khajeh Salehi, Zohreh, (2011), Elite Migration in the Age of Information and Communication Globalization: An Analysis Based on a Comparative Study of the Characteristics of Industrial Society and Network Society, *Strategic Studies of Globalization*, 8: 109-140. (in Persian).
- Kishawi, S., (2012), Ohio State students mobilize after campus newspaper runs ad linking Muslim students to terrorism, *Sixteen Minutes from Palestine*.
- Kuo, B., Arnold, R., & Rodriguez-Rubio, B. (2014). Mediating effects of coping in the link between spirituality and psychological distress in a culturally diverse undergraduate sample. *Mental Health, Religion & Culture*, 17(2), 173-184.

- Laitinen, A, (2012), Misrecognition, misrecognition, and fallibility. *Res publica*, 18, (1): 25-38.
- Laitinen, A. (2015). 3 Recognition, Solidarity, and the Politics of Esteem: Basic Income as a Test Case. *In Recognition and freedom: 57-78*, Brill.
- Mamiseishvili, K, (2012), Academic and social integration and persistence of international students at US two-year institutions, *Community College Journal of Research and Practice*, 36(1): 15-27.
- Moftakhari, Ali; Jafari, Mohammad; AbuNuri, Ismail; Younes, Nademi, (2020), Investigating the effects of gender inequality on brain drain in developing countries, *Journal of Quantitative Economics*. (in Persian).
- Morse, J. M., & Field, P. A, (1995), *Nursing research: The application of qualitative approaches*. Nelson Thornes.
- Moshavegh, Mahmood, Nasri, Atieh, (2019), Return migration of Iranian students and its determinants: a study among Iranian students living in America and Canada, *Population Quarterly*, No, 103, 104: 91-104. (in Persian).
- Nejati, Moh91-104ammad Hossein, (2010), New interpretations of the head of the National Youth Organization about a social phenomenon; Instead of brain drain, let's say cultural migration, *Tehran Emrooz newspaper*, (329). (in Persian).
- Ribeiro MD, Saleem SJJomMH (2010) Providing outreach services to Muslim college women 5:233-244.
- Rose-Redwood, C. R. (2010). the challenge of fostering cross-cultural interactions: a case study of international graduate students'perceptions of diversity initiatives. *college student Journal*, 44(2).
- Seggie, F. N., & Sanford, G, (2010), Perceptions of female Muslim students who veil: Campus religious climate. *Race Ethnicity and Education*, 13, (1): 59-82.
- Shahabadi, Abolfazl; Karim Keshteh, Mohammad Hussein; Mahmoudi, Abdullah, (2005), Investigating the Factors Affecting Brain Drain ,Case Study of Iran, *Business Research Journal*, 10, (39): 39-81. (in Persian).
- Tummala-Narra, P., & Claudius, M. (2013), A qualitative examination of Muslim graduate international students' experiences in the United States. *International Perspectives in Psychology: Research, Practice, Consultation*, 2(2), 132.
- Wedding, Danny, James L McCartney, David E %J Professional Psychology: Research Currey, and Practice. "Lessons Relevant to Psychologists Who Serve as Mentors for International Students." 40, no. 2 (2009): 189.
- Wesselhoeft, K. (2017), On the 'front lines' of the classroom: Moral education and Muslim students in French state schools. *Oxford Review of Education*, 43(5), 626-641.
- Williams, P., & McConnell, F. (2011). Critical geographies of peace. *Antipode*, 43(4), 927-931.
- Yazdani, M, (2015), Higher Education under the Islamic Republic: the Case of the Baha'is, *Journal of Educational Controversy*, 10, (1): 7.